

«ساخت زبان فارسی»

مؤلف: خسرو غلامعلی زاده

ناشر: احیاء کتاب

سال نشر: ۱۳۷۷

نوبت چاپ: سوم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۳۳۶

در این کتاب قواعد ویرایش و نگارش نسبتاً رعایت شده است. مگر این که از عبارات یا کلماتی استفاده شده که یا قدیمی است یا گرتهداری شده، و ترجمه جمله یا گروه معادل انگلیسی است؛ و لذا به راحتی قابل فهم نیستند. قواعد ویرایش و نگارش به معنی رعایت و به کارگیری علامت‌های گروه، جمله و عبارت، مانند نقطه‌گذاری، ویرگول، و غیره مناسب است.

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی کتاب مناسب / خوب است. اما فاصله سطرها به نظر مناسب نیست. فاصله خطوط کم است و لذا مطالب کتاب بسیار فشرده به نظر می‌رسد. با توجه به این که اندازه حروف کمی کوچک‌تر از اندازه حروف کتاب‌های مشابه به نظر می‌رسد باعث می‌شود که در خواندن کتاب، خواننده از خطی بگذرد و به خط بعدی برود. صحافی کتاب خوب است طرح جلد هم همین‌طور.

کتاب برای درسی با ارزش دو واحد و با توجه به کلاس‌های موجود کارشناسی در دانشگاه‌های ایران مناسب نیست و دارای حجم درسی بیشتر از دو واحد درسی دوره کارشناسی است.

بدون شک اثر را نمی‌توان متن / نوشته‌ای روان به حساب آورد. در جای جای متن کتاب از عبارات و اصطلاحات فعلی استفاده شده است که براحتی می‌توان برای آن‌ها برابرهایی مناسب‌تر و قابل فهم‌تری یافت به برخی از این موارد در زیر اشاره می‌شود:

۱۵۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

۱- در صفحه دوم پیشگفتار (که متأسفانه فاقد شماره صفحه است) خط دوم از بالای صفحه - نگارنده می‌نویسد: «... نگارنده به استناد شمّ زبانی خود مثالی باب بحث وضع کرده است» که به راحتی می‌توانست از عبارت «نگارنده به استناد شمّ زبانی خود مثال مناسبی ارایه کرده است یا ارایه می‌کند» - عبارت «مثالی باب بحث وضع کرده است» بدون شک عبارتی سنگین، دشوار و کم‌کاربرد است.

۲- در خط سوم از صفحه دوم پیشگفتار نویسنده کتاب می‌گوید: «دیدگاه نظری حاکم بر باب نخست (نحو) نظریه گشتاری است...»، که بطور طبیعی انتظار می‌رود که نویسنده محترم ارجاع مناسب را بدهد و بگوید کدام مدل یا نوع از نظریه گشتاری موردنظر نویسنده است. چنانکه در تمام کتاب هم هیچ اشاره‌ای به این نکته مهم نمی‌کند و حتی ارجاع مناسب را به نوع نظریه گشتاری موردنظر خود که ظاهراً نظریه استاندارد گشتاری (۱۹۶۵ و ۱۹۵۷ Chomsky) است، نمی‌کند.

۳- نظر نویسنده کتاب - باز هم در صفحه دوم پیشگفتار مبنی بر علت ارایه «مسایل نظری» در مورد «تکواژشناسی و معناشناسی» نخست به آن علت که «یافته‌های تکواژشناسی و معناشناسی هنوز به گونه‌ای نیستند که بتوان آن‌ها را در یک کتاب درسی به منظور تحلیل ساختمان واژه و معناشناسی زبان خاصی به کار بست؛ ...» به هیچ وجه درست نیست. حتی در زبان فارسی تحلیل‌ها و نظریه‌های مستقلی از ساختواژه زبان فارسی بسیار پیش‌تر از چاپ نسخه اول کتاب نویسنده محترم در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسیده است. نظریه‌های ساختواژی مهم و گوناگونی در سال‌های ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۹۵ در چارچوب ساختواژی نظریه گشتاری ارایه شده است. نظر مولف در این مورد که یافته‌های تکواژشناسی را نمی‌توان مورد تحلیل قرار داد کاملاً غیر علمی، غیرکارشناسی و غیرمستند است.

۴- هشت ورق اول کتاب - یعنی ۱۶ صفحه اول - تا «باب نخست»، «نحو» فاقد شماره عددی یا حرفی است: رسم بر این است که همواره، بخش معرفی کتاب، فهرست مندرجات و پیشگفتار و ... را با حروف ابجد (یا حروف الفبای فارسی)

ساخت زبان فارسی ۱۵۱

مشخص نمایند که در این کتاب ۱۶ صفحه از کتاب فاقد هرگونه شماره‌گذاری عددی و حرفی است که نیاز به رفع این کوتاهی دارد.

۵- نویسنده محترم در صفحه ۴ می‌نویسد: «مطالب این باب طوری نگاشته شده است که خواننده را از آگاهی از مسایل پیچیده نظری بی‌نیاز می‌سازد.» که بدون شک عبارت روان و گویایی نیست، به احتمال زیاد منظور نویسنده محترم چنین است: «مطالب این باب طوری نگاشته شده است که خواننده ناآگاه به مسایل پیچیده نظری می‌تواند براحتی از آن استفاده نماید.»

۶- ص ۷ کتاب. نویسنده محترم می‌نویسد: «درک مفهوم اصطلاح ساخت در دستور زبان بنیادی است. مفهوم عام این اصطلاح گسسته از کاربرد آن در دستور زبان، ...»

- بدون شک کلمه «گسسته از» بجای «جدای از» یا «جدا از» یک لحظه خواننده را در خواندن درک مفهوم جمله متوقف می‌سازد.

- در جای جای متن کتاب نویسنده محترم به عبارات، واژه‌ها و اصطلاحات فعلی اشاره می‌کند که یا به گونه گفتاری یا نوشتاری یک یا چند نسل پیش تعلق دارد، یا گرتۀ برداری ترجمۀ متن انگلیسی است، یا اصطلاحات روان و روشنی نیستند یا گاه گاهی به سبک گفتاری تعلق دارند. این گونه موارد که نه تنها محدود نیستند بلکه در جای‌جای متن کتاب به فراوانی گسترده‌اند، خواننده ناآگاه به مسایل زبانشناسی را در درک منظور نویسنده و فهم جمله با اشکال و دشواری مواجه می‌سازد. در زیر برخی دیگر از این گونه اشکالات و موارد ذکر می‌شود، با این حال این‌ها تنها مثنی از خروار است:

- یکی از این واژه‌ها کاربرد واژه «قسم» است. مانند: «این قسم نمودارها» در ص ۸ کتاب که براحتی می‌توان از کلمه «گونه»، «نوع» برای آن استفاده کرد.

- مثال دیگر کاربرد واژه «به عوض» است بجای واژه «بجای» که به شفافیت و روانی متن کمک می‌کند (نگاه کنید به ص ۱۲ پاراگراف ۴)

۷- در ص ۲۰ متن پاراگراف دوم - نویسنده محترم می‌نویسد:

«کنون پرسش این است که: چگونه نمودارهای درختی باید بتواند این سلسله مراتب گروهی را نمایان سازد». البته منظور نویسنده محترم این است که: «کنون پرسش این است که نمودارهای درختی چگونه می‌توانند ساختار سلسله

۱۵۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

مراتبی درون گروه را هم نشان دهند». بدیهی است که این گونه بی‌دلیل روزمره و عامیانه نوشتن کمکی به روانی متن نمی‌کند و آن را پیچیده‌تر هم می‌سازد.

۸- ص ۹۸ متن - پاراگراف آخر: نویسنده محترم در تعریف «مفعول غیر مستقیم» از مفهوم و تعریفی کاملاً معنایی سود می‌جوید، در حالی که در چارچوب نظریه گشتاری چامسکی ۱۹۶۵ تعریفی ساختاری و زیرمقوله‌ای دارد. ولی در این جا بیشتر منظور کاربرد عبارتی مانند «بنابراین، ملزومات متممی فعل دو مفعولی ایجاب می‌کند که ...». که عبارتی کاملاً سنگین، مشکل و دیرفهم است و به راحتی می‌توان گفت «افعال دو مفعولی در چارچوب زیرمقوله‌ای افعالی هستند که علاوه بر موضوع خارجی دارای دو موضوع درونی: یکی گروه اسمی و دیگر گروه حرف اضافه‌دار به عنوان موضوع درونی اجباری هستند».

۹- ص ۷۶ پاراگراف دوم: نویسنده محترم می‌نویسند: «پس، نقش‌هایی که بر گروه اسمی منتسب می‌شود، در واقع، ...». کاربرد واژه «منتسب» جمله را سنگین کرده است. به جای آن می‌توان گفت: «نقش‌هایی که گروه اسمی می‌پذیرد، در واقع، ...»

۱۰- ص ۳۲ سطر آخر صفحه ۳۲: نویسنده می‌نویسند: «به گونه‌ای که ملاحظه می‌کنید، گروه‌ها به دنبال اسامی هسته‌های خود نامگذاری می‌شوند. «واژه به دنبال گرت‌برداری از واژه انگلیسی Following است. که واقعاً جمله را نامفهوم می‌سازد. که به راحتی می‌توان گفت «مقوله دستوری هر گروه با مقوله دستوری هسته آن یکسان است» یا «گروه‌ها مقوله دستوری خود را از مقوله هسته خود به ارث می‌برند / می‌گیرند». موارد مشابه سخت و گران نویسی که با توضیحات کافی نیز همراه نیست در متن کتاب به فراوانی یافت می‌شود.

کتاب مورد بررسی چاپ سوم، ۱۳۸۰، می‌باشد و با چاپ نخست که در سال ۱۳۷۴ انتشار یافته، کوچکترین تمایزی حتی در شماره صفحه‌ها، فصل‌ها و بخش‌ها ندارد. تنها در چاپ سوم در قسمت فهرست، کلمه «فهرست» در بالای صفحه اول فهرست - که فاقد شماره است - آمده است، ولی در چاپ نخست ۱۳۷۴ این واژه (یعنی «فهرست») وجود ندارد. همچنین در صفحه پایانی فهرست - یعنی قبل از صفحه عددی ۱ - کلمه «فهرست موضوعی ... ۳۳۷» آمده است، اما در چاپ نخست این عبارت نیست.

اصطلاحات علمی آگاهانه و هدفمند معرفی نمی‌شوند، و تنها در طی معرفی یا توضیح عبارات یا جملات و گرومهایی به ناچار معرفی می‌شوند زیرا عدم کاربرد آن اصطلاح یا اصطلاحات توضیح و معرفی را غیرممکن می‌سازد. مثلاً در صفحه ۹ «سازه بلافصل» یک اصطلاح نظری است ولی حتی به صورت تیره‌تر چاپ نشده است و بعد از آن نیز «سازه بلافصل» در مقابل «سازه غیربلافصل» معرفی و تعریف نشده و تمایز آن‌ها که بسیار مهم است بطور مستقیم آگاهانه و هدفمند معرفی نشده بلکه به طور گذرا بیان شده است.

شاید تنها جایی که اصطلاح بطور مستقیم تعریف شده در ص ۴ کتاب است که روساخت، ژرف‌ساخت و قواعد گشتاری و قواعد سازه‌ای به طور تیره‌تر چاپ شده و تعریفی مستقیم برای آن‌ها ارایه شده است. در تمام قسمت نحو تأکید بر اصطلاحات تخصصی، و نظری دستور گشتاری - زایشی ناچیز است و در واقع کتاب در این جنبه فقیر است و خواننده با مطالعه آن چیزی از اصطلاحات تخصصی زبان‌شناسی گشتاری دستگیر نمی‌شود. البته بر تعریف اصطلاحات در باب دوم «تکواژشناسی» و در باب سوم «آواشناسی» و باب چهارم «معنا شناسی» تکیه و توجه بیشتری شده است. در فصل ۱ - ۱۱: «فرایندهای نحوی» صفحات ۱۸۴ - ۱۸۲ کتاب نیز دو نوع گشتار حرکتی و حذفی و ژرف ساخت و روساخت معرفی و تعریف شده‌اند.

به طور کلی نویسنده بطور آگاهانه، مستقیم و هدفمند اصطلاحات را معرفی نمی‌کند و معادل انگلیسی آن‌ها را در متن یا در پانوشته نمی‌دهد ولی در واژه‌نامه معادل‌های انگلیسی بر اساس ترتیب حروف الفبایی فارسی آورده شده است. به معادل‌سازی توجه نشده و به چشم نمی‌آید. به زحمت اصطلاحی با ارزش معرفی شده است. نویسنده نظریه مشخصی را در نظر ندارد تا اصطلاحات آن نظریه را توضیح بدهد.

در تمامی کتاب طرح بحث مقدماتی و جمع‌بندی نهایی جزئی، ناچیز است؛ بویژه جمع‌بندی نهایی در مورد بحث‌های پیچیده مانند ساختار گروه اسمی و گروه فعلی ضعیف و ناچیز است. علت هم آن است که نویسنده از ابزارهای نظری و چارچوب‌های نظری زبان‌شناسی واضح و صریح بهره نمی‌گیرد تا آن‌ها را معرفی کند و مطالب خود را در آن چارچوب‌ها ارایه نماید. لذا در بسیاری موارد تعاریف معنایی است، نه صوری و نظری؛ لذا جمع‌بندی نهایی اصولاً ممکن نیست زیرا مقدمات و تحلیل جامع و علمی نیست.

۱۵۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

توجه اصلی کتاب به بحث و تحلیل ساخت‌های نحوی زبان فارسی، یعنی گروه اسمی، گروه فعلی، گروه حرف اضافی، گروه قیدی، گروه وصفی، جمله و ... است که سعی دارد آن‌ها را در چارچوب قواعد ساخت گروهی، و درخت‌های به کارگرفته از نظریه ایکس - تیره توضیح دهد. ولی نویسنده بطور هدفمند سطح‌های - یا بارهای - نظریه ایکس تیره را مشخص نمی‌کند. به طور خاص در مورد گروه اسمی به هیچ وجه سطح‌های فرافکنی ایکس تیره که باعث تمایز بین نوع وابسته‌ها می‌شود معرفی نشده است.

در بخش تکواژشناسی (باب دوم کتاب)، و نیز بخش معناشناسی (باب چهارم کتاب) مبانی بسیار ابتدایی تکواژشناسی و معناشناسی معرفی شده است. و هیچ گونه نوآوری که ندارد، فاقد هرگونه بحث و تحلیل جامع درباره ساختارهای مربوط در زبان فارسی نیز است. بطور کلی بخش معناشناسی در چارچوب «معناشناسی صوری» نظریه گشتاری و تعیین و تشخیص معنای جمله کامل در سطح «صورت منطقی» تبیین نشده است و تنها برخی مفاهیم معنایی واژگانی و روابط معنایی واژگانی منفرد تبیین شده است. چنانکه قبلاً توضیح داده شد نظر نویسنده محترم کتاب در صفحه دوم «پیشگفتار» - (که فاقد صفحه‌بندی است) - مبنی بر این که «یافته‌های تکواژشناسی و معناشناسی هنوز به گونه‌ای نیستند که بتوان آن‌ها را در یک کتاب درسی به منظور تحلیل ساختمان واژه و معناشناسی زبانی خاص به کار بست» به هیچ وجه درست نیست. مجموعه مقالات مفصل دکتر علی اشرف صادقی ۷۲ - ۱۳۷۰ در نشریه نشر دانش، دو سال قبل از چاپ نخست کتاب نویسنده محترم - آن هم در چارچوب واژه‌شناسی نقش‌گرای فرانسوی خود دلیل محکمی بر غنی بودن مبانی نظری ساختواژه است. به ویژه ساختواژه نظری تا سال ۱۳۷۴ یعنی حدود سال ۹۵ - ۱۹۹۴ گسترش بی‌سابقه‌ای یافته است.

اهداف درس «ساخت زبان فارسی» به ارزش ۲ واحد نظری - مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی - وزارت فرهنگ و آموزش عالی (سابق) چندان مناسب درسی تحت این عنوان نیست. برای مثال «مروری بر تاریخچه دستورنویسی در زبان فارسی و بررسی دستورهای سنتی فارسی، و مبانی و اصول اولیه دستورهای سنتی و ...» در هیچ کتابی به طور مستقل نیامده است و لزومی هم ندارد که به آن در مرحله فعلی دانش ما از زبان‌شناسی پرداخته شود. دکتر محمدرضا باطنی در فاصله سال‌های ۵۸ - ۱۳۴۸ در سلسله کتاب‌ها و مقالاتش به ضعف‌ها و ویژگی‌های دستور سنتی پرداخته است که

می‌تواند قسمتی از معلومات عمومی دانشجویان در این‌باره باشد. دانشجویان در درس‌هایی مانند تاریخ (دستوری) زبان فارسی نیز کم و بیش با آن آشنا می‌شوند. در سطح کارشناسی هم بیان این مطالب ضرورتی ندارد. در مجموع کتاب به این جنبه‌ها نپرداخته است و چیزی از مشخصات دستورهای سنتی، تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی، و نیز تأثیر زبان فرانسه، دستورهای التقاطی و دستور ساختگرایی زبان فارسی در کتاب دیده نمی‌شود. به نظر این جانب بیان این مطالب برای یک درس دو واحدی ساخت زبان فارسی که جایگاهش در نظام دوره کارشناسی و یا دوره کارشناسی ارشد مشخص نیست، چندان مفید و سودمند نیست، و البته نویسنده کتاب هم به هیچ وجه به مفاهیم فوق نپرداخته است. و از این بابت به نظر بنده اشکالی بر کتاب و محتوای آن وارد نیست، چون که اهداف مشخص شده برای درس «ساخت زبان فارسی» مصوب شده شورای عالی برنامه‌ریزی غیر منسجم و در برخی موارد غیرضروری است و کتابی به آن مشخصات به طور خاص تاکنون تألیف نشده و به نظر لازم هم نیست این مطالب به عنوان مطالب درسی در کلاس‌های دوره کارشناسی یا کارشناسی ارشد به طور مستقیم و تحت همین عنوان تدریس بشود.

محتوای کتاب با عنوان آن منطبق است. چون که بخش عمده حجم و محتوای کتاب و بحث‌های آن به «ساخت زبان فارسی» می‌پردازد و معمولاً هم بین زبانشناسان و دانشجویان زبانشناسی اصطلاح «ساخت زبان فارسی»، تحلیل و بررسی نحوی ساخت جملات و گروه‌های نحوی را تداعی می‌کند. فهرست مطالب هم با محتوی کتاب منطبق است و تمامی عنوان‌های فهرست‌ها در متن کتاب بحث و بررسی شده است.

سرفصل شورای عالی برنامه‌ریزی تحت عنوان «ساخت زبان فارسی» با ارزش ۲ واحد نظری شامل برخی موارد زیر است: تاریخچه دستورنویسی در زبان فارسی؛ بررسی دستورهای سنتی فارسی؛ مبانی و اصول اولیه دستورهای سنتی؛ تأثیرات نحو عربی و دستور فرانسه بر دستورهای سنتی فارسی؛ دستورهای التقاطی؛ متون آموزشی دستور فارسی؛ مشکلات و مسائل دستور سنتی، دستور ساختگرایی فارسی؛ توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی در چارچوب مکاتب ساختگرا و غیره. هیچکدام از عنوان‌ها و سرفصل‌های بیان شده در چند خط بالا حتی در کتاب به آن اشاره هم نشده است که بنظر کار درستی بوده است چون که تبیین مطالب بالا خود احتیاج به تألیف کتابی حجیم دارد و کم و بیش در نوشته‌ها و مقالات آقای دکتر محمدرضا باطنی در طی

۱۵۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

سال‌های ۵۷ - ۱۳۴۸ آمده است. کتاب تنها با بخشی از سرفصل «ساخت زبان فارسی» شورای عالی برنامه ریزی مطابق است که به «ساخت دستور زبان فارسی بر اساس دستور گشتاری» آن هم مربوط به دستور گشتاری استاندارد سال ۱۹۶۵ می‌پردازد. سرفصل شورای عالی برنامه‌ریزی احتیاج به بازبینی و تجدیدنظر دارد و از این لحاظ اشکالی به کتاب وارد نیست.

واقعیت آن است که پایگاه نظری دستور گشتاری استاندارد (استانده) (چامسکی ۱۹۶۵) از سال‌های ۱۹۸۰ تاکنون تحولات جدی یافته است و بسیاری از تحلیل‌های ارایه شده در کتاب امروزه بر اساس نظریه زایشی گشتاری جدید، اعم از «اصل‌ها و پارامترها» و «نظریه کمینه‌گرا» دیگر پذیرفته شده نیست. در ضمن این که کتاب حتی از همان دیدگاه نظریه استاندارد و به ویژه نظریه ایکس - تیره جکندوف ۱۹۷۷ هم دارای ضعف‌های اساسی در تحلیل، اعمال و توجیه قواعد اعمال شده و پیشنهاد شده برای زبان فارسی است. لذا در حال حاضر (۱۳۸۲) این کتاب را نمی‌توان برای تدریس «ساخت زبان فارسی» در دوره‌های کارشناسی ارشد به هیچ وجه توصیه کرد چرا که برای دانشجویان کارشناسی ارشد زبان‌شناسی این کتاب قدیمی، ساده، پیش‌پا افتاده، و دارای تحلیل‌های ساده و سرراست و غیر نظری است. کتاب برای تدریس ساخت زبان فارسی برای دانشجویان دوره مترجمی و زبان فارسی نیز مناسب نیست (دوره کارشناسی). زیرا دارای نثر غیرروان، و پیچیدگی‌های تحلیلی است که پایگاه نظری آن‌ها در کتاب تبیین و تشریح نشده است. نثر کتاب ساده نیست، محتوی پر حجم ولی توصیفی صرف است و پایگاه نظری تبیین شده دقیق ندارد، هرچند نویسنده محترم کتاب ادعا دارد که از پایگاه نظری دستور گشتاری کتاب را نوشته است.

چارچوب نظری به هیچ وجه روزآمد نیست، اطلاعات به هیچ وجه جدید نیست. تحلیل‌های ارایه شده در مورد گروه اسمی هیچ گونه تمایز صوری، نمادی / درختی بین انواع وابسته‌های قایل نیست. چارچوب نظری ایکس تیره هدفمند، آشکار، و واضح ارایه شده است. تعریف‌ها در بسیاری موارد معنایی است در حالی که نویسنده قصد ارایه تبیین صوری را دارد.

باید به طور قطع بگوییم که با توجه به سال چاپ نخست کتاب در سال ۱۳۷۴ (یعنی ۹۵ - ۱۹۹۴) و با توجه به چاپ سوم - سال ۱۳۸۰ - که بدون هیچ‌گونه تغییر تجدید چاپ شده است، کتاب متأسفانه فاقد نوآوری است. کتاب آقای دکتر محمدرضا باطنی

چاپ ۱۳۴۸ در چارچوب نظریه مقوله و میزان هنوز هم اثری بدیع و نو درباره «دستور زبان فارسی» است، اما کتاب حاضر به هیچ وجه اثری بدیع، نو، با تحلیل نو و جدید در چارچوب نظریه گشتاری درباره زبان فارسی نیست. بخش تکواژشناسی - به طور خاص - و معناشناسی بسیار کم، جزیی و بی اهمیت است.

نظم منطقی ارایه مطالب، با «انسجام مطالب» دو مقوله مجزایند. نظم منطقی مطالب در بخش یا باب نخست - یعنی نحو - مناسب است. کتاب در فصل ۱-۱ با توضیح کوتاهی در مورد جمله و ساخت داخلی آن شروع می شود. ولی به علت به کارگیری مثال های طولانی و پیچیده و نثر سنگین انسجام این بخش کمتر از فصل های دیگر کتاب است. به طور خاص اصطلاحات زیانشناسی که می بایست در این بخش ارایه و معرفی می شدند، نادیده گرفته شده یا معنای آن ها مسلم فرض شده است. مفاهیم بنیادی بیان شده در فصل های ۱-۱ و ۲-۱ غیرمستقیم عرضه شده اند.

برای مثال واژه ها یا اصطلاح های «مسلط»، «تسلط»، «گروه های واقع شده در درون گروه های بالاتر» که باعث «تکرار» و «خلاقیت» زبانی می شوند به طور غیرمستقیم و نهان معرفی و ارایه شده اند. فصل مهم ۳-۱ به معرفی «مقوله های واژگانی» می پردازد. ولی نویسنده محترم عمداً به معرفی مشخصات صرفی «مقوله های واژگانی» نمی پردازد و تعاریف ناقص از مقولات ارایه می دهد. مثلاً در ص ۴۰ می گوید: «هر گروه اسمی فقط یک اسم به عنوان هسته دارد. پس، می توان اسم را چنین تعریف کرد: اسم آن عنصر زبانی است که هسته گروه اسمی واقع می شود». (ص ۴۰ متن کتاب) در حالی که خود گروه اسمی در فصل بعدی یعنی ۴-۱ تعریف شده است و نویسنده تنها تعریف کوتاهی از گروه اسمی در فصل قبل، یعنی ۲-۱، ص ۲۸، ارایه داده است. در حالی که در همه کتاب های مقدماتی نحو، در تعریف مقولات واژگانی حتماً از مشخصات صرفی شناسایی مقولات نیز بحث می شوند که البته نویسنده آگاهانه از این کار خودداری کرده است. که این از «انسجام متن» می کاهد، هرچند نظم منطقی ارایه مطالب رعایت شده است. پس از فصل ۳-۱ که یکی از فصل های ضعیف کتاب است، نه از لحاظ نادرست بودن مطالب ارایه شده، بلکه از نظر تحلیل های به کار رفته برای تعریف مقولات واژگانی و به ویژه در تعریف مقوله واژگانی فعل که چیزی بیشتر از کتاب «دستور» صادقی و ارزنگ ۱۳۵۸ ... ندارد که کمتر هم هست و نسبت به تحلیل دقیق باطنی ۱۳۴۸ از دقت توصیفی بسیار کمتری برخوردار است.

۱۵۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

فصل ۱-۴ به ساخت و نقش گروه اسمی می‌پردازد و بعد از آن بقیه گروه‌های نحوی تا جمله و جمله‌های مرکب و پیچیده و در نهایت در فصل ۱-۱۱ به «فرایندهای نحوی» به ساخت جملات همپایه و ناهمپایه و فرایندهای خروج و مبتداسازی با استفاده از گشتارها می‌پردازد. در هر حال استفاده از گشتارها و قواعد ساخت گروهی در کتاب همان نقص‌هایی را دارد که باعث تحول نظریه استاندارد گشتاری از سال‌های ۱۹۷۵ به بعد شده است و نویسندگان - البته آگاهانه - آنها را نادیده گرفته است.

از منابع موجود برای تبیین موضوعات مورد بحث، به قدر کفایت استفاده نشده است. به ویژه از منابع موجود به زبان اصلی، و منابع نظری (توسط نظریه‌پردازان اصلی نظریه گشتاری حتی در چارچوب نظریه گشتاری، چامسکی (۱۹۶۵) و نظریه گسترش یافته آن تا سال‌های (۱۹۷۵) که کتاب بر مبنای آن نظریه نوشته شده، به قدر کافی استفاده نشده است.

به طور کلی ارجاع به مأخذ در متن کتاب یا نشده است یا بسیار ناچیز انجام گرفته است. از منابعی بدون ذکر مأخذ آنها استفاده نشده است. کلیه منابع ذکر شده در کتابنامه آمده است. البته کتاب هیچ کجا از اثر چامسکی (۱۹۶۵) که نظریه استاندارد دستور گشتاری است نام نمی‌برد، ولی واقعیت آن است که پایگاه نظری کتاب نظریه استاندارد گشتاری است. این مرجع در کتابنامه وجود ندارد. ارجاع به مأخذ و منابع در متن کتاب وجود ندارد. ولی در پانوشته‌ها جهت شرح و توضیح بیشتر به منابعی ارجاع داده شده است که به شرح زیراند: ص ۱۸۷: پانوشته ۲؛ ص ۲۶۰: پانوشته ۱؛ ص ۲۶۵: پانوشته ۱؛ ص ۲۶۸: پانوشته ۱؛ ص ۲۸۴: پانوشته ۲؛ ص ۲۸۹: پانوشته ۱؛ ص ۲۹۱: پانوشته ۱ و ۲؛ در متن کتاب هیچ جا به منابع ارجاع نشده است. بیشتر ارجاعات در بخش آواشناسی است در حالی که عمده حجم کتاب دربارهٔ نحو زبان فارسی است. در ص ۳۳۵ - کتابنامه انگلیسی:

Chomsky, N. (1995) "some concepts ..."

تاریخ اثر مربوط به سال ۱۹۸۲ است. در مواردی که کتابی در سال‌های متوالی تجدید چاپ می‌شود، ملاک برای ارجاع تاریخ چاپ نخست است.

در ص ۳۳۵ کتابنامه انگلیسی

Jachendoff (1981), Syntax (a study),

باز هم تاریخ اثر مربوط به سال ۱۹۷۷ است و اصولاً این کتاب همه جا به سال یعنی ۱۹۷۷ معروف و شناخته شده است. لذا، حتی اگر نویسنده محترم چاپ سال ۱۹۸۱ را

ساخت زبان فارسی ۱۵۹

داشته باشند، باز هم بایستی به سال ۱۹۷۷ ارجاع می‌دادند. مثل آن است که کسی کتاب چامسکی ۱۹۶۵ یعنی Aspects را ارجاع به سال ۱۹۸۵ بدهد که درست نیست. در ضمن املای کلمه مؤلف Jackendoff صحیح است که با h هجی شده است.

در ص ۳۳۶ کتابنامه انگلیسی

Quirk R. and all. (1985), .

که قاعدتاً در پایان کتاب و در کتابنامه اسم همه مؤلف‌ها را کامل می‌گویند تا کتاب به درستی معرفی شود و از and all و یا et all تنها در متن کتاب جهت کوتاه شدن ارجاع استفاده می‌شود.

در ص ۳۳۶ کتابنامه انگلیسی

Radford A. (1990). Transformational Grammar...

که باز هم اثر مربوط به سال ۱۹۸۸ است و در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ تجدید چاپ شده است که بایستی از همان تاریخ چاپ نخست ۱۹۸۸ نام برد، مگر آنکه نسخه تجدیدنظر شده باشد که چنین نیست.

ابعاد سازنده یا مخرب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بطور عام وجود ندارد. در هر حال کتاب اثری درباره زبان فارسی است و قاعدتاً، در پیشبرد مطالعات مربوط به زبان، ادب و فرهنگ فارسی تأثیر سازنده می‌تواند داشته باشد و تأثیر مخرب ندارد.

۱- کتاب چارچوب نظری حاکم بر تحلیل‌های نحوی را نظریه گشتاری می‌داند، ولی مشخص نمی‌کند کدام نسخه از تحول مکرر این نظریه کتاب بایستی بطور واضحی می‌گفت که از نظریه استاندارد و استاندارد گسترش یافته دستور گشتاری و نظریه ایکس تیره جکندوف ۱۹۷۷ سود می‌برد و بعداً در یک فصل به طور دقیق اصطلاحات و چارچوب کلی، و روابط درونی این چارچوب را با دقت و با استفاده از مثال‌های فارسی تبیین می‌کرد.

۲- بخش مقولات واژگانی، فصلی کوتاه است بایستی اهمیت واژگان، چارچوب‌های مقوله‌ای و زیر مقوله‌ای، تفاوت وابسته‌های زیر مقوله‌ای و غیر زیر مقوله‌ای را که در ساخت گروه‌ها در فصل‌های ۲ و ۳ کتاب ارایه شده و نقش اساسی دارند به شرح کافی و مثال‌های مناسب از فارسی ارایه می‌داد.

۳- کتاب به هیچ وجه فرق بین انواع وابسته‌های گروه اسمی و سطح بار یا (bar - Level) آن‌ها را نشان نمی‌دهد. در کتاب حداقل بایستی سعی می‌شد همه وابسته‌های پیشین و پسین گروه اسمی که به طور بالقوه می‌توانند بعد از یک هسته اسمی بیایند

۱۶۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

در یک مثال ذکر می‌شد و سطح بار آنها و تفاوت آنها را می‌گفت. خواننده نمی‌داند تفاوت وابسته صفتی اسم با وابسته حرف اضافه دار اسم در چیست، کاری که دکتر باطنی در سال ۱۳۴۸ در کتاب خود به درستی انجام داده است. تحلیل‌ها و درخت‌های گروه‌های اسمی در چند مورد حتی بر اساس نظر خود نویسنده نادرست است.

۴- از لحاظ شکلی کتاب فشرده است، مثال‌های فارسی کتاب از همان ابتدا مثال‌هایی طولانی و پیچیده‌اند که هیچ لزومی به این کار نبوده است. نشر کتاب روان نیست. فهم متن در بسیاری از جاها سخت است. مفاهیم و اصطلاحات آشکارا و صریح معرفی نمی‌شوند و برایشان مثال ذکر نمی‌شود.

۵- این واقعیت مهم درباره زبان‌ها که خلاقیت حاصل تکرار و تو در تو بودن گروه‌ها و سازه‌ها، و رابطه‌مند بودن این ارتباط بین گروه‌هاست و این رابطه را می‌توان توسط نمادهای درختی X و سطح‌های متفاوت X ها تا حدود زیادی نشان داد، به هیچ وجه تأکید نشده، هرچند در جای جای کتاب به آن اشاره شده و حتی مثال‌هایی هم برای آن آورده شده است. تفاوت سطوح X ها یا تبیین نشده یا نادیده گرفته شده است.

۶- کتاب دارای خودآزمایی‌های فراوانی برای هر فصل است. و به همه خودآزمایی‌ها هم به تفصیل پاسخ داده شده است که بر جنبه کاربردی کار، و درک مفهوم کتاب بسیار می‌افزاید و آن را به یک کتاب درسی نزدیک می‌کند. کتاب همچنین در هر فصل دارای تمرینات مناسبی است که باز هم به عنوان کار یا تمرین منزل می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند و بعداً در جلسات بعدی در کلاس‌های درس (احتمالی) مورد استفاده قرار بگیرد.

۷- تعداد مثال‌های بکار گرفته شده و بحث شده در کتاب درباره هر موضوع و مبحثی به نسبت کارهای مشابه بسیار زیادتر است و بر جنبه کاربردی کار می‌افزاید.

۸- نویسنده در برجسته کردن مفاهیم و اصطلاحات، تبیین و تشریح واضح آن مفاهیم و اصطلاحات مشکل دارد. اهمیت نظریه دستوری گشتاری و روابط دستوری وضع شده در آن چارچوب را نویسنده محترم تا حد زیاد از پیش دانسته، کم اهمیت، و مسلم فرض می‌کند. در تبیین منظور خود دچار مشکل است. روان نمی‌گوید، حرف دلش را که درست است براحتی ادا نمی‌کند.

۹- بخش‌های تکواژشناسی و معناشناسی بسیار جزئی، فاقد هرگونه اهمیت نظری و فاقد هرگونه تازگی و تفصیل است.

ساخت زبان فارسی ۱۶۱

اگر چه عنوان کتاب «ساخت زبان فارسی» است اما به نظر می‌رسد تنها ساختار نحوی زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته است و از سطوح ساختاری دیگر بسیار مختصر سخن به میان آمده و مثلاً بخش واژه‌شناسی تنها ۶ صفحه را به خود اختصاص داده است.

نگارش اثر تا حدی قابل قبول است. هر چند در مواردی جملات چندان مناسبی به کار نرفته است مثلاً پاراگراف دوم صفحه ۲۰ و پاراگراف اول صفحه ۲۵. اما به طور کلی قابل قبول است.

قواعد ویرایش و نگارش نسبتاً خوب رعایت شده است. به نظر می‌رسد در زمینه حروف چینی و صفحه‌آرایی کتاب مشکلاتی دارد که ناشر مقصر است.

اگر چه در این کتاب به عنوان مقدمه توضیحاتی ارائه شده است اما این مقدمات به هیچ عنوان نمی‌تواند دانشجو را آماده ارائه مطالبی نماید که بیشتر در تحلیل‌های زبانی در پایان نامه‌های دکتری ارائه می‌شود. در این اثر با توجه به چارچوب نظری خاصی که وجود داشته است به نظر نمی‌رسد که اهداف درس را تامین کرده باشد.

در فصل اول کتاب با الگوبرداری از کتاب نحو ردفورد گرایشی خاص در زبان‌شناسی مطرح شده است. و فصول آخر نیز فشرده‌ای از مطالب زبان‌شناسی سنتی است.

کتاب حاضر مخاطب ندارد. گاه آنقدر مسائل پیچیده و نظری می‌شوند که دانشجوی کارشناسی امکان استفاده از آن را ندارد زیرا مبانی نظری مطالب در مقطع فوق لیسانس و دکتری مطرح می‌شوند. کتاب حاضر به عنوان یک تحقیق بنیادی در چارچوب یک نظریه خاص بسیار ارزشمند است اما به عنوان یک کتاب درسی در مقطع کارشناسی با مشکلاتی رو به رو است:

- ۱- نداشتن زمینه نظری در چارچوب نظریه‌های زبانی دانشجویان کارشناسی
- ۲- آشنا نبودن دانشجویان با چارچوب نظریه زایشی به صورت تخصصی
- ۳- مواجهه شده دانشجویان تنها با یک انگاره تحلیلی و غفلت از الگوهای تحلیلی دیگر
- ۴- نداشتن مخاطب مشخص. کتاب حاضر گاه مطالب بنیادی و ابتدایی را مطرح می‌سازد و در مواردی به تحلیل‌های نحوی بسیار پیچیده که دانشجو امکان درک آن را ندارد دست می‌زند.